

رابطه سیاست‌های مالیاتی و بار مالیاتی شرکت‌ها در شرایط تورمی

حمیده اثنی عشری *

مینا نورمحمدی **

چکیده

مالیات، یکی از مهمترین عوامل رونق اقتصادی و توسعه جوامع محسوب می‌شود و به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها مطرح است. اگرچه اقتصاد ایران سالهاست در شرایط رکود تورمی قرار دارد اما اثر تورم بر هزینه‌های قابل قبول جهت محاسبه مالیات بر درآمد مستقیم شرکت‌ها تعدیل نمی‌شود در حالیکه درآمدها اثرات تورم را در خود دارند و این موضوع می‌تواند موجبات افزایش بارمالیاتی برای شرکت‌هایی را فراهم آورد که ریل‌های تاریخی سهم بیشتری در ساختار هزینه‌هایشان دارد. در این مقاله، رابطه سیاست‌های مالیاتی با بارمالیاتی در شرایط تورمی بررسی شد. در این راستا، موجودی کالا و دارایی‌های ثابت برای سنجش سیاست‌های مالیاتی در شرایط رکود تورمی به عنوان متغیرهای مستقل و نسبت هزینه مالیات بر جریان‌های نقدی عملیاتی برای سنجش بارمالیاتی به عنوان متغیر وابسته بکار رفت. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ با لحاظ برخی شرایط و با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای داده‌های پانلی نامتوازن آزمون شدند. نتایج نشان داد شرکت‌هایی که سهم دارایی‌های ثابت و موجودی کالا در ساختار دارایی‌های آنها بیشتر است با گذشت زمان و کاهش دوره گردش موجودی کالا بارمالیاتی بیشتری را متحمل می‌شوند.

واژگان کلیدی: شرایط تورمی، سرمایه‌بری، گردش موجودی کالا، بارمالیاتی.

* استادیار گروه حسابداری دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) email: h_asnaashari@sbu.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

پرداخت مالیات از مهمترین عوامل رشد و توسعه جوامع محسوب می‌شود و رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی و بهبود عمران و آبادانی کشورها را در پی دارد (ابراهیمیان و ابراهیمیان، ۱۳۹۳). امروزه نقش نظام مالیاتی در کشورهای مختلف عموماً حول سه هدف اجتماعی، اقتصادی و بودجه‌ای تعریف می‌شود. هدف سیاست‌های مالیاتی در بعد اجتماعی، بهبود توزیع درآمد بین طبقات مختلف درآمدی، در بعد اقتصادی، تخصیص بهینه منابع بین بخش‌های مختلف اقتصادی و کنترل نوسانات احتمالی در اقتصاد و در نهایت در بعد بودجه‌ای، تامین منابع مالی دولت است (پرخیده و تاجیک، ۱۳۹۰). دولت‌ها با بکارگیری ابزار مالیات، بخش قابل توجهی از منابع مورد نیاز خود را تامین می‌کنند و آن را بر اساس اولویت‌های مورد نظرشان تخصیص می‌دهند (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۴). در قانون بودجه سال ۱۳۹۶ ایران نیز درآمدهای مالیاتی سهمی تقریباً برابر با درآمدهای نفتی دارند که این خود نشان از اهمیت مالیات در تامین منابع مالی دولت دارد.

مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، در اغلب کشورها از جمله ایران، بخش قابل توجهی از درآمد مالیاتی دولت را حاصل می‌کند؛ اما نباید از نظر دور داشت هدف از اخذ مالیات تنها تامین مالی دولت نیست و مالیات ابزاری است که به منظور رشد، ثبات و کاهش نابرابری در اقتصاد در اختیار دولت قرار دارد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۴)؛ بنابراین دولت‌ها همواره برآنند سیاست‌های مالیاتی خود را به گونه‌ای تعیین نمایند که توسعه اقتصادی جامعه را نیز به همراه داشته باشد؛ به این معنی که سیاست‌های مالیاتی باید به گونه‌ای تدوین شوند که برای فعالان اقتصادی مانع نسازند، انگیزه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی آنها را کاهش ندهند و با کاهش تولید ناخالص داخلی حرکت به سوی رشد اقتصادی پایین‌تر را زمینه‌ساز نگردند. مطابق ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم مبنای محاسبه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی جمع درآمد شرکت‌ها پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مالیاتی است. این در حالیست که مطابق مواد ۱۴۸ و ۱۴۹ هزینه‌های قابل قبول بر مبنای بهای تمام شده تاریخی تعریف شده‌اند؛ هزینه‌هایی که در محاسبه درآمد مشمول مالیات لحاظ می‌شوند از نظر ارزش پولی ماهیت‌های متفاوتی دارند؛ برخی مانند هزینه‌های حقوق و مزایا، تحقیقاتی، ورزشی و ملزومات اداری به محض وقوع (و فارغ از دوره پرداخت) به حساب هزینه دوره منظور

می‌شوند و برخی دیگر مانند بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه استهلاک به اتکای استانداردهای حسابداری با تاخیر به سود و زیان دوره منظور می‌شوند. مطابق بند ۳۵ فصل پنجم مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران نظام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی در اندازه گیری عناصر صورت‌های مالی ملاک عمل قرار می‌گیرد و ارزش‌های جاری تنها در مواردی محدود و آن هم با پابندی به ویژگی احتیاط به عنوان یکی از ویژگی‌های قابلیت اتکا بکار گرفته می‌شود (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۴). به این ترتیب، مخارج مربوط به تحصیل یا تعمیرات اساسی دارایی‌های ثابت و مخارج ساخت موجودی کالا در هنگام تحمل ابتدا سرمایه‌ای می‌شوند و سپس با گذشت زمان و یا وقوع فروش در دوره‌های اتی به صورت سود و زیان منظور شده و در محاسبه درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها لحاظ می‌شوند. بنابراین، بهای تمام شده تاریخی فرض می‌کند قدرت خرید پول در طول زمان ثابت است و یا آنکه تغییرات اندکی را تجربه می‌کند. این در حالیست که گزارش و تحلیل‌های اقتصادی حاکی از آن هستند که اقتصاد ایران در پنجاه سال گذشته به دلیل ناسازگاری سیاست‌های مالی و پولی و اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد در کنار تکانه‌های قیمت نفت دچار معضل رکورد تورمی است (قریه‌گپی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰؛ تقوی، غروی، ۱۳۸۲: ۶۴). حقیقت آن است که تورم از شناخته‌شده‌ترین معضل‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است که قدرت خرید و رفاه اقتصادی مردم را کاهش می‌دهد. مطابق آمار منتشره از سوی بانک مرکزی نرخ تورم در ایران در ده سال گذشته به طور میانگین نزدیک به ۲۰ درصد بوده است. به طور معمول اقتصاددانان رکورد و تورم را دو نقطه مقابل هم می‌دانند؛ زیرا آنگاه که سطح قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند رونق رخ می‌نماید و نرخ بیکاری رو به کاهش می‌نهد. این تفکر پایه فکری منحنی فیلیپس را شکل می‌دهد که رابطه بین تورم و بیکاری را معکوس می‌داند. اگرچه در ایران تورم و رکود اغلب در کنار یکدیگر بوده‌اند و اقتصاد را درگیر تورم رکوردی کرده‌اند؛ تورمی که هم کشش تقاضا و هم فشار هزینه در تشدید آن موثر بوده‌اند (تقوی و غروی، ۱۳۸۲: ۳۱).

در چنین شرایطی بی‌توجهی نهادهای قانون‌گذار به مبنای اندازه‌گیری در محاسبه درآمد مشمول مالیات موجب خواهد شد شرکت‌هایی که به دلیل ساختار دارایی‌هایشان از تورم به میزان بیشتری اثر می‌پذیرند یا بار مالیاتی بیشتری متحمل شوند و یا آنکه به سوی سیاست‌هایی متمایل شوند که جامعه را از حرکت به سوی رشد و توسعه پایدار باز می‌دارد

(دالی‌وال و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۶۸).

از این رو، تحقیق حاضر بر آن است اثر سیاست‌های مالیاتی را بر درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها بررسی کند تا به این سوال پاسخ دهد که آیا شرکت‌هایی که سرمایه‌بری بیشتری دارند و یا موجودی کالای خود را در فرایند طولانی‌تری به فروش می‌رسانند و از شرایط رکورد تورمی در ایران اثر می‌پذیرند بار مالیاتی بیشتری را به دوش می‌کشند؟ بدین منظور، ابتدا مبانی نظری موجود بررسی و تحقیقات این حوزه مرور می‌شوند؛ سپس، با تدوین فرضیه و کاربست مدل‌هایی تلاش می‌شود به سوالات تحقیق پاسخ داده شود. در انتها نیز بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری پژوهش و مروری بر مطالعات گذشته

بارمالیاتی

در ادبیات نظری دو مفهوم بارمالیاتی و بار اقتصادی مالیات مطرح شده است. بار مالیاتی که اثر اقتصادی سیاست‌های مالیاتی را بر روی شرکت نمایش می‌دهد ان بخش از درآمد مشمول مالیات شرکت است که به عنوان مالیات به دولت پرداخت می‌شود. این در حالیست که بار اقتصادی مالیات علاوه بر آنکه اثر اقتصادی مستقیم سیاست‌های مالیاتی دولت را در برمی‌گیرد شامل آثار اقتصادی دیگر فعالیت‌های ناکارآمدی است که در واکنش به سیاست‌های مالیاتی دولت از سوی شرکت‌ها انجام می‌پذیرد (ابونوری و نیک‌پور، ۱۳۹۳؛ پرخیده و تاجیک، ۱۳۹۰).

مفاهیم نگهداشت سرمایه و تعیین سود

از دیدگاه هیکس (۱۹۴۶)، سود بیشترین مبلغی است که می‌توان طی یک بازه زمانی به مصرف رساند و در پایان دوره به میزان ابتدای دوره رفاه (سرمایه) داشت. او این سود را سوداقتصادی نامید. به این ترتیب، تعریف و محاسبه سود به مفهومی تحت عنوان حفظ یا نگهداشت سرمایه گره خورده است. نگهداشت سرمایه مفهومی است که بازده سرمایه واحد تجاری را از برگشت سرمایه او تمیز می‌دهد. در متون نظری چهار مفهوم از نگهداشت سرمایه ارائه شده است: ۱- نگهداری پول (نگهداشت سرمایه مالی)، ۲- نگهداشت قدرت خرید ثابت پول، ۳- نگهداشت ظرفیت تولید (نگهداشت سرمایه فیزیکی) و ۴- نگهداشت ظرفیت تولید بر حسب قدرت خرید ثابت پول. پایبندی به هر یک

از مفاهیم نگهداشت سرمایه اولویت بندی متفاوت معیارهای اندازه‌گیری را سبب می‌شود. دیدگاه اول، که یک دیدگاه سنتی در حسابداری است بهای تاریخی را در اندازه‌گیری رویدادها اقتصادی مناسب می‌داند؛ در دیدگاه دوم، اثرات تغییر در قدرت خرید پول بر روی بهای تاریخی تعدیل می‌شود و به این ترتیب ریال‌های تاریخی در مقاطع مختلف قابل مقایسه می‌شوند؛ این در حالیست که دیدگاه سوم، ارزش‌های جاری را معیار ارزشگذاری می‌داند و دیدگاه چهارم نیز معتقد است تغییرات در قدرت خرید عمومی پول به اندازه‌ای است که باید قدرت خرید ریال‌های جاری را نیز ثابت کرد تا مقایسه‌پذیر شوند. این موضوع را نباید از نظر دور داشت که تغییر در قیمت دارایی‌های نگهداری شده به طور بالقوه درآمد نگهداری را ایجاد می‌کند که در مبانی مختلف اندازه‌گیری برخورد متفاوتی با آن می‌شود. این درآمد در مفهوم نگهداشت سرمایه مالی تا زمان فروش دارایی شناسایی نمی‌شود؛ چنین موضوعی سبب می‌شود ریال‌های اسمی بهای دارایی نتواند ارزش آن را به طور واقعی منعکس کند و بالتبع هزینه‌های کمتری ناشی از مصرف دارایی به حساب سود و زیان منتقل شود (بلکویی، ۲۰۰۴، سازمان حسابرسی، ۱۳۹۴).

معیارهای اندازه‌گیری در مفاهیم نظری

هیات استانداردهای بین‌المللی در چارچوب مفهومی خود اندازه‌گیری را فرایند سنجش مبلغ پولی تعریف کرده است که در صورت‌های مالی شناسایی می‌شوند. در این چارچوب معیارهای اندازه‌گیری بهای تاریخی، ارزش‌های جاری، ارزش قابل تحقق و ارزش فعلی تعریف شده‌اند که به درجات مختلف می‌توانند در صورت‌های مالی بکار گرفته شوند (هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۱۹۸۹). چارچوب مفهومی بین‌المللی در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۵ اصلاحاتی را تجربه کرد به گونه‌ای که در فصل ششم پیش‌نویس دوم آن معیارهای اندازه‌گیری به طور کلی در قالب دو طبقه بهای تاریخی و ارزش‌های جاری تعریف شده‌اند. معیارهای بهای تاریخی و ارزش‌های جایگزینی در طبقه اول و معیارهای ارزش منصفانه و ارزش در حال استفاده در طبقه دوم قرار گرفته‌اند. در بند ۱۷ این فصل به یکی از ویژگی‌های معیار بهای تاریخی اشاره شده است با این مضمون که: معیار اندازه‌گیری بهای تاریخی موجب می‌شود دارایی‌ها و بدهی‌های مشابهی که در زمان‌های مختلفی تحصیل می‌شوند با ارزش‌های متفاوتی ثبت شوند؛ این موضوع سبب می‌شود مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی شرکت در دوره‌های مختلف و اطلاعات مالی شرکت با دیگر شرکت‌ها کاهش یابد؛ در ادامه در بند ۱۸ اشاره شده است در شرایطی که

قیمت‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌کنند معیار ارزش‌های جایگزینی در مقایسه با بهای تاریخی اطلاعات مربوطتری را ارائه می‌دهد (هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۱۵). معیارهای ارزش جایگزینی و ارزش منصفانه هر دو تلاش دارند تغییر در قدرت خرید پول را منعکس کنند اما هر یک بر مفروضات متفاوتی تکیه دارند. اولی، بر مبنای ارزش‌های ورودی است و ادامه استفاده از دارایی را مفروض می‌گیرد و دومی بر مبنای ارزش‌های خروجی است و تحقق ارزش از طریق فروش را فرض می‌کند. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران نیز دو نظام اندازه‌گیری بهای تمام شده و ارزش‌های جاری (شامل سه مقیاس ارزش ورودی، ارزش‌های خروجی و ارزش اقتصادی) معرفی شده است. سپس معیاری با عنوان ارزش برای واحد تجاری به عنوان قاعده‌ای معقول برای انتخاب یکی از مقیاس‌های ارزش جاری معرفی شده است؛ در ادامه به این موضوع اشاره شده است که معیار ارزش برای واحد تجاری نوعی به‌هنگام کردن بهای تاریخی با استفاده از قاعده سنتی بهای تمام شده یا کمتر است و بنابراین حائز ویژگی مربوط بودن می‌باشد (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۴). باید به خاطر سپرد در شرایط تورمی معیار اندازه‌گیری بهای تاریخی توان خرید کالا توسط شرکت را منعکس نمی‌کند. اگرچه تعدیل ارزش‌های تاریخی بر حسب تغییر در قدرت خرید عمومی پول چنین مشکلی را رفع می‌کند.

بار مالیاتی و ساختار دارایی‌ها

افزایش نرخ نورم و نرخ ارز و کاهش نرخ رشد اقتصادی در سالهای گذشته نشانگر آن است که پدیده رکورد تورمی در ایران تشدید شده است (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۶). هنگامی که اقتصاد به نفت وابسته باشد آنگاه تحریم‌ها و ساختار دولتی سبب می‌شوند دولت در شرایط نوسان درآمدهای نفتی، سیاست‌های پولی مصلحت‌گرایانه را دنبال کند (باستان فر و میرزایی، ۱۳۹۳). تورم سبب می‌شود ارزش واقعی هزینه‌هایی که به بهای تاریخی در صورت سود و زیان شناسایی می‌شوند (مانند استهلاک و بهای تمام شده کالای فروش رفته) کاهش یابد اگرچه درآمدها به منظور بقای شرکت در شرایط تورمی یک روند افزایشی را تجربه می‌کنند. به این ترتیب، هرچه سهم دارایی‌هایی که بر مبنای بهای تاریخی در ترازنامه منعکس می‌شوند و با تاخیر زمانی (و نه بلافاصله) به صورت سود و زیان منتقل می‌گردند بیشتر باشد آنگاه شرکت بارمالیاتی بیشتری را (در مقایسه با نرخ تورم) متحمل می‌شود. این موضوع اغلب با عنوان فرضیه "اثرمالیاتی تورم" در متون علمی مطرح می‌گردد؛ بر مبنای این فرضیه، هرچه سهم دارایی‌های ثابت و

موجودی کالا در ساختار دارایی‌های شرکت بیشتر باشد آنگاه شرکت، بار مالیاتی بیشتری در شرایط تورمی بر دوش می‌کشد. اگرچه برخی معتقدند شرکت می‌تواند با دریافت تسهیلات در شرایط تورمی، بخشی از افزایش سود ناشی از هزینه‌های تاریخی را جبران کند و بدین ترتیب از بار مالیاتی بکاهد (دالیوال و همکاران، ۲۰۱۵). مطابق با دستورالعمل رسیدگی به تسهیلات مالی دریافتی مرتبط با مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم، چنانچه تسهیلات مالی از بانک‌ها، صندوق تعاون و موسسه اعتباری غیربانکی مجاز دریافت شود و در راستای عملیات موسسه (ونه در فعالیت‌های معاف یا دارای نرخ مالیات مقطوع) به مصرف برسد به عنوان هزینه از منظر مالیاتی قابل قبول است.

مروری بر پیشینه پژوهش

اندریس و همکاران (۲۰۱۷)، اثر سیاست‌های مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی در بانک‌ها را بررسی کردند. آنها دریافتند سیاست‌های مالیاتی با ذخیره زیان و ام‌ها رابطه دارد و شفافیت گزارشگری آنها را تغییر می‌دهد؛ البته هرچه سیستم مالیاتی بانک‌ها را به شناسایی به‌هنگام‌تر ذخائر تشویق کند این اثرپذیری بیشتر است. بانر و همکاران (۲۰۱۷)، رابطه سیاست‌های مالیاتی را با خطر سقوط قیمت سهام آزمون کردند. آنها دریافتند سیاست‌های مالیاتی سخت‌گیرانه با افشای بهتر اطلاعات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی همبسته است. به این ترتیب، احتمال حسابرسی مالیاتی با خطر سقوط قیمت سهم رابطه منفی دارد. وی و همکاران (۲۰۱۶)، رابطه هزینه سرمایه با اجتناب مالیاتی را بررسی کردند. نتایج نشان داد شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی بیشتری دارند هزینه سرمایه کمتری را متحمل می‌شوند. ماسکانی و منیستا (۲۰۱۶)، رابطه بار مالیاتی و اندازه شرکت را آزمون کردند. آنها دریافتند شرکت‌هایی که اندازه کوچک یا بزرگی دارند در مقایسه با شرکت‌های با اندازه متوسط بار مالیاتی بیشتری را متحمل می‌شوند. دالیوال و همکاران (۲۰۱۵)، اثر تورم بر بار مالیاتی را آزمون کردند. نتایج نشان داد هر چه سرمایه‌بری شرکت‌ها بیشتر باشد بار مالیاتی بیشتری را در شرایط تورمی متحمل می‌شوند. میبری و همکاران (۲۰۱۳)، رابطه هموارسازی درآمد مشمول مالیات، اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی آن را بررسی کردند. آنها دریافتند هرچه درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها هموارتر باشد، از اجتناب مالیاتی آتی مطلوب‌تری برخوردار هستند. تابنده و همکاران (۲۰۱۲)، عوامل مؤثر بر فرار را بررسی کردند. آنها پایه مالیاتی، اندازه دولت، درآمد

پرداخت کنندگان مالیات، نرخ تورم و باز بودن تجارت را به عنوان دلایل اصلی فرار مالیاتی عنوان نمودند. صالح ولیدی و همکاران (۱۳۹۳)، به آسیب‌شناسی نظام مالیاتی ایران پرداختند. آنها نابسامانی قانون را مهمترین آسیب نظام مالیاتی معرفی کردند؛ ابهام، تورم منابع فوق‌قانونی، سیاست‌های کیفی نامناسب از دیگر عوامل آسیب‌رسان به نظام مالیاتی دانسته شدند. خواجهی و کیامهر (۱۳۹۵)، اجتناب مالیاتی شرکت را با استفاده از اطلاعات حسابداری مدل کردند؛ آنها نشان دادند سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر رفتار مالیاتی شرکت اثرگذار هستند. فروغی و همکاران (۱۳۹۵) و آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، رابطه توانمندی مدیریت را با مالیاتی سنجیدند؛ آنها دریافتند هرچه مدیر توان‌تر باشد اجتناب از مالیات بیشتر است. اعتمادی و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی رفتار اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند؛ آنها دریافتند شرکت‌هایی که در کوتاه مدت نرخ موثر مالیاتی خود را کمینه می‌کنند و اجتناب مالیاتی دارند در طول زمان با ریسک مالیاتی بیشتری مواجه هستند. برزگر (۱۳۹۵)، رابطه کیفیت افشا و مدیریت سود را با اجتناب مالیاتی آزمون کرد؛ او دریافت که اجتناب مالیاتی با کاهش کیفیت افشا و مدیریت سود رابطه منفی دارد. ابونوری و نیک‌پور (۱۳۹۳)، رابطه بار مالیاتی با حجم اقتصاد پنهان را آزمون کردند؛ آنها دریافتند بار مالیاتی، حجم دولت و محدودیت‌های تجاری عوامل اصلی پیدایش اقتصاد پنهان در ایران هستند.

نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که بار مالیاتی یکی از موضوعات مورد توجه شرکت‌ها است و اجتناب مالیاتی و عوامل موثر بسیار مورد توجه محققان بوده است؛ تورم و اندازه شرکت با بار مالیاتی رابطه دارند (ماسکانی و منیستا، ۲۰۱۶؛ دالیوال و همکاران، ۲۰۱۵)؛ نابسامانی قانونی و تورم از جمله آسیب‌های نظام مالیاتی ایران است و اجتناب از مالیات در بلندمدت شرکت را در معرض ریسک مالیاتی بیشتر قرار می‌دهد (تابنده و همکاران، ۲۰۱۲)؛ صالح ولیدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ مدیران با هموارسازی، افشای با کیفیت پایین، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی از مالیات اجتناب می‌کنند (اندریس و همکاران، ۲۰۱۷)؛ میبری و همکاران، ۲۰۱۳؛ خواجهی و کیامهر، ۱۳۹۵؛ فروغی و همکاران، ۱۳۹۵؛ برزگر، ۱۳۹۵، آقایی و همکاران، ۱۳۹۷) و اجتناب مالیاتی با کاهش هزینه سرمایه شرکت و اقتصاد پنهان همبسته است (وی و همکاران، ۲۰۱۶؛ ابونوری و نیک‌پور، ۱۳۹۳).

فرضیه های پژوهش

به منظور پاسخ به سوالات پژوهش و به پشتوانه مبانی نظری و ادبیات پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین گردید:

فرضیه اول: در شرایطی که گردش موجودی کالا پایین است، بار مالیاتی با موجودی کالا رابطه مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه دوم: بار مالیاتی با سرمایه‌بری رابطه مستقیم و معناداری دارد.

روش پژوهش

این پژوهش، از نظر فلسفه از نوع اثباتی، از نظر منطق اجرا از نوع قیاسی، از نظر هدف از نوع توضیحی، از نظر فرایند اجرا از نوع کمی، از نظر زمان انجام از نوع طولی - گذشته‌نگر و از نظر روش گردآوری داده‌ها از نوع آرشیوی است (ساندرز و همکاران، ۲۰۱۱). متغیرهای مستقل پژوهش، موجودی کالا و ارزش خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات و متغیر وابسته پژوهش، بار مالیاتی است. متغیرهای نرخ‌بازده‌دارایی، اندازه شرکت و اهرم مالی نیز به عنوان متغیرهای کنترلی منظور شدند. ابتدا آماره‌های توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی محاسبه شده؛ سپس پایایی متغیرها بررسی گردیده و به منظور تعیین روش برآورد، آزمون چاو (F مقید) و هاسمن انجام می‌شود. در گام بعد، مفروضات گوس - مارکوف به منظور برآورد بهترین برآورد خطی نااریب بررسی می‌گردند. در پایان، نگاره ضرایب مدل رگرسیونی بکار گرفته شده تا معنی‌دار بودن ضرایب مدل (با بکارگیری P - Value محاسبه شده و سطح خطای موردنظر α) تعیین شود.

مدل زیر برای آزمون فرضیه اول پژوهش استفاده شد (دالیوال و همکاران، ۲۰۱۵):

مدل (۱)

$$\begin{aligned} \text{BURDEN}_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{ACTINF}_t + \alpha_2 \text{INV}_{it-2} + \alpha_3 \text{ACTINF}_t * \\ & \text{D}_{t-2} + \alpha_4 \text{ACTINF}_t * \text{INV}_{it-2} + \alpha_5 \text{D}_{t-2} * \text{INV}_{it-2} + \alpha_6 \text{ACTINF}_t \\ & * \text{INV}_{it-2} * \text{D}_{t-2} + \alpha_7 \text{LEVERAGE}_{it-1} + \alpha_8 \text{ROA}_{it} + \alpha_9 \text{SIZE}_{it} \\ & + \epsilon_{it} \end{aligned}$$

متغیرهای مدل عبارتند از:

BURDEN_{it} = بار مالیاتی شرکت i در سال t است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$: \frac{\text{Tax}_{it}}{\text{CFO}_{it}} \text{ BURDEN}_{it}$$

Tax_{it} = مالیات پرداختی شرکت i در سال t است؛

CFO_{it} = جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در سال t است؛

ACTINF_t = شاخص تورم در سال t است که از میانگین تغییرات شاخص کل بهای

کالا و خدمات مصرفی در بازه ۵ ساله t الی $t-۴$ محاسبه شده است؛

INV_{it-2} = موجودی کالای شرکت i در سال $t-۲$ است که با مجموع دارایی‌ها در پایان

سال همگن شده است؛

LEVERAGE_{it-1} = اهرم مالی شرکت i در سال $t-۱$ است که حاصل تقسیم مجموع

بدهی بلندمدت بر مجموع کل دارایی‌ها حاصل شده است؛

ROA_{it} = نرخ بازده دارایی شرکت i در سال t است که از حاصل تقسیم سود قبل از

مالیات شرکت بر مجموع کل دارایی‌ها حاصل شده است؛

SIZE_{it} = اندازه شرکت i در سال t است که از طریق لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های

شرکت محاسبه شده است؛

D_{t-2} = متغیری مجازی است؛ چنانچه دوره گردش موجودی کالای شرکت در سال $t-۲$

در یک سوم بالاترین دوره گردش موجودی کالا شرکت‌ها در آن سال قرار داشته باشد

صفر و چنانچه در یک سوم پایینی دوره گردش موجودی کالای شرکت‌ها باشد، یک

می‌شود.

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش نیز مدل (۲) استفاده شد (دالیوال و همکاران، ۲۰۱۵):

مدل (۲)

$$* \alpha_3 \text{ACTINF}_t + \alpha_2 \text{PPE}_{it-4} + \alpha_1 \text{ACTINF}_t + \alpha_0 = \text{BURDEN}_{it}$$

$$\alpha_6 \text{SIZE}_{it} + \alpha_5 \text{ROA}_{it} + \alpha_4 \text{LEVERAGE}_{it-1} + \text{PPE}_{it-4}$$

$$\alpha_7 \text{Inv}_{it} + \epsilon_{it} +$$

که در آن:

PPE_{it-4} = سرمایه‌بری شرکت i در سال $t-۴$ است که از تقسیم ارزش دفتری املاک،

ماشین‌آلات و تجهیزات بر مجموع دارایی‌ها حاصل شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

می‌باشد. نمونه آماری پژوهش نیز به روش غربالگری و با در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر تعیین شد:

۱- نام شرکت تا پایان سال مالی ۱۳۸۰ در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران درج شده باشد و تا پایان سال مالی ۱۳۹۵ در فهرست باقی مانده باشد؛

۲- دوره مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد؛

۳- طی دوره زمانی مورد بررسی، تغییر سال مالی یا فعالیت نداده، حذف نشده و یا توقف فعالیت نداشته باشد؛

۴- در گروه شرکت‌های فعال در صنعت واسطه‌گری‌های مالی نباشد؛

۵- بار مالیاتی آن در حوزه صفر و یک قرار داشته باشد؛

به این ترتیب تعداد ۵۰۵ شرکت - سال به عنوان نمونه پژوهش بررسی شد.

مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی و داده‌های مورد

نیاز برای آزمون فرضیه‌ها با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، بانک

جامع اطلاعاتی پایگاه اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار و نرم‌افزار ره آورد نوین

گردآوری شد.

روش آزمون فرضیه‌های پژوهش

ابتدا پایایی متغیرهای پژوهش، با استفاده از آزمون دیکی - فولر بررسی شد؛ نتایج حاکی از

آن بود همگی متغیرها در سطح پایا هستند. سپس با توجه به نتایج آزمون‌های چاو (ضریب

لاگرانژ)، هاسمن، از روش اثرات ثابت برای برآورد مدل‌ها انتخاب شد. اگرچه برآورد

مدل و آزمون باقیمانده‌های آن نشان از وجود ناهمسانی در واریانس جملات اخلاص داشت

که با توجه به مشابه نبودن حجم نمونه در سال‌های مورد بررسی، از روش حداقل مربعات

تعمیم یافته و روش نامتوازن استفاده شد تا ضرایب مدل سازگار، بدون تورش و کارا

(BLUE) باشند. به منظور آزمون فرضیه اول، ضریب α در مدل (۱) بررسی می‌شود؛

چنانچه ضریب فوق مثبت و معنی‌دار باشد، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. به منظور

آزمون فرضیه دوم نیز، با استفاده از ضریب α_3 در مدل (۲) آزمون می‌گردد؛ چنانچه این

ضریب، مثبت و معنی‌دار باشد، فرضیه دوم رد نمی‌شود.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرها به شرح زیر می باشند:

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شرح متغیر	نماد ریاضی	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
بار مالیاتی	BURDEN	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۷۴	۰/۰۰۵	۰/۱۵
شاخص تورم	ACCINF	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۲۳	۰/۱۳	۰/۰۳
موجودی کالا	INV	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۶۶	۰/۰۳	۰/۱۱
سرمایه‌بری	PPE	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۸۴	۰/۰۲	۰/۱۷
اندازه شرکت	Size	۱۳/۴۰	۱۲/۹	۱۶/۶۱	۱۰/۳۴	۱/۱۳
نرخ بازده دارایی	ROA	۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۷	۰/۰۰۰۳	۰/۱۴
گردش	D	۰/۵	۰/۵	۱	۰	۰/۵

بررسی رفتار بار مالیاتی شرکت‌ها حاکی از آن است که شرکت‌ها به طور میانگین در حدود ۱۸٪ از جریان‌های نقدی حاصل از عملیات خود را جهت پرداخت مالیات مصرف می‌کنند. این در حالیست که میانگین نرخ تورم در بازه پژوهش ۱۷٪ بوده است که قرابت زیادی به میانه توزیع دارد. بررسی روند تغییرات نرخ تورم حاکی از آن بود که این متغیر در بازه پژوهش روندی رشدی داشته است. ساختار دارایی شرکت‌ها به گونه‌ای است که به طور میانگین دارایی‌های ثابت ۲۶٪ و موجودی کالا ۲۵٪ آن را تشکیل داده‌اند. به این ترتیب، دارایی‌های ثابت و موجودی کالا به طور میانگین، سهم تقریبی مشابهی در ساختار دارایی‌های شرکت‌ها دارند. بررسی میانگین گردش موجودی کالا حاکی از آن است که پویایی چندانی در بهره‌مندی از موجودی کالا وجود ندارد و اغلب شرکت‌ها گردش پایین موجودی کالا را تجربه می‌کنند.

جدول ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش نیز به شرح نگاره (۲) است:

نگاره (۲): ضریب همبستگی اسپیرمن

ROA	Size	PPE	INV	ACCINF	BURDEN	
					۱	BURDEN
				۱	۰/۰۷*	ACCINF
			۱	-۰/۰۵	۰/۰۹**	INV
		۱	*** -۰/۳	-۰/۰۶	-۰/۱۲***	PPE
	۱	-۰/۰۲	** -۰/۲	۰/۴***	-۰/۱*	Size
۱	*** -۰/۱۸	-۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	ROA

*** معناداری در سطح ۱٪، ** معناداری در سطح ۵٪ و * معناداری در سطح ۱۰٪.

بر این اساس، با افزایش یک واحد تورم به طور میانگین ۷٪ به بار مالیاتی افزوده می‌شود. این در حالیست که با افزایش موجودی کالا (در سال جاری)، بار مالیاتی به طور میانگین ۹٪ افزایش می‌یابد که این موضوع را می‌توان به دلیل دوره گردش موجودی کالا دانست. با افزایش تورم، اندازه شرکت افزایش می‌یابد و افزایش اندازه شرکت‌ها با کاهش بار مالیاتی همراه است؛ که می‌توان آن را نشانه‌ای از قدرت سیاسی چنین واحدهایی دانست.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول

برای آزمون این فرضیه از مدل (۱) استفاده شد. ضرایب مدل برآورد شده، نتایج آزمون معنی‌داری هر ضریب و کل مدل در نگاره (۳) ارائه شده است:

نگاره (۳): نتایج آزمون مدل اول پژوهش

ضریب	متغیر	ضریب	متغیر
-0/72***	$D_{t-2} * INV_{i,t-2}$	۰/۱۲	عرض از مبدا
۶/۶***	$ACTINF_t * INV_{i,t-2} * D_{t-2}$	*** ۱/۲	ACTINF _t
-0/07	$LEVERAGE_{i,t-1t}$	0/86*	INV _{i,t-2}

0/06**	ROA _{i,t}	-0/58***	D _{t-2} * ACTINF _{t,t-2}
-0/01**	Size _{i,t}	-5/16**	ACTINF _t *INV _{i,t-2}
			آماره والد: ۱۰۸***

*** معناداری در سطح ۱٪، ** معناداری در سطح ۵٪ و * معناداری در سطح ۱۰٪.

سطح معنی داری آماره والد بیانگر آن است که مدل توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. نتایج برآورد نشان داد شرکت‌هایی که موجودی کالای بیشتری در ساختار دارایی‌های خود دارند بارمالیاتی بیشتری را بر دوش می‌کشند. این در حالیست ضریب حاصلضرب متغیرهای گردش موجودی کالا، تورم و موجودی کالا نیز مثبت و معنی دار است؛ بنابراین، کاهش دوره گردش موجودی کالا با افزایش بیشتر بارمالیاتی برای شرکت‌ها همراه بوده است؛ افزایشی که (ضریب α_6) از نظر آماری در سطح ۱٪ معنی دار است. نتایج حاکی از آن است که با افزایش تورم، سهم بیشتری از جریان‌های نقد بابت مالیات از شرکت خارج می‌شود. بررسی ضرایب متغیرهای کنترلی نیز حاکی از آن است که هرچه سطح نرخ بازده دارایی‌ها افزایش می‌یابد بار مالیاتی بیشتری بر شرکت‌ها تحمیل می‌شود؛ ضمن آنکه افزایش اندازه شرکت‌ها نیز با کاهش بارمالیاتی همراه است بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد نشد.

فرضیه دوم

برای آزمون این فرضیه از مدل (۲) استفاده شد. ضرایب مدل برآورد شده، نتایج آزمون معنی داری هر یک و کل مدل در نگاره (۴) ارائه شده است:

نگاره (۴): نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

ضریب	متغیر	ضریب	متغیر
*** -۰/۲۷	LEVERAGE _{i,t-1}	۰/۰۴	عرض از مبدا
0/04	ROA _{i,t}	۰/۶۲***	ACTINF _t
0/18***	Inv _{i,t-2}	-۰/۱۴***	۱PPE _t
		0/55**	۲ACTINF _t *PPE _t
			آماره والد: ۹۰***

*** معناداری در سطح ۱٪، ** معناداری در سطح ۵٪ و * معناداری در سطح ۱۰٪.

سطح معنی‌داری آماره والد بیانگر آن است که مدل توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. بررسی ضریب متغیر دارایی ثابت نشان داد که این متغیر رابطه منفی و معنی‌دار (در سطح معنی‌داری ۱٪) با بار مالیاتی دارد؛ به این ترتیب، شرکت‌هایی که دارایی‌های ثابت بیشتری را در عملیات خود به کار می‌بندند در طول زمان از مزایای مالیاتی آن بهره‌مند می‌شوند. این در حالیست که ضریب حاصلضرب دو متغیر دارایی ثابت و تورم مثبت و معنی‌دار است (در سطح معنی‌داری ۵٪)؛ به این معنی که در سطوح ثابت دارایی، افزایش تورم با افزایش بار مالیاتی همراه است؛ به این ترتیب، هنگامی که تورم افزایش می‌یابد مزیت مالیاتی دارایی ثابت را در طول زمان کاهش می‌دهد؛ به گونه‌ای که شرکت‌هایی که در سال‌های گذشته دارایی‌های ثابت بیشتری را در مقایسه با دیگر شرکت‌ها در اختیار داشته‌اند با افزایش نرخ تورم، مالیات بیشتری را (نسبت به جریان‌های نقدشان) متحمل می‌شوند. ضرایب متغیرهای کنترلی نیز حاکی از آن هستند که افزایش سطح موجودی کالا در سال‌های گذشته با افزایش بار مالیاتی و افزایش سطح اهرم مالی با کاهش بار مالیاتی همراه هستند. لازم به ذکر است متغیر اندازه شرکت به دلیل ناپایدار کردن مدل لحاظ نشد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش رد نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در شرایط تورمی، درآمد کالاها و خدمات بر اساس نرخ تورم افزایش می‌یابد. این در حالی است که مطابق با استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی، ماخذ محاسبه هزینه‌های قابل قبول مالیاتی، بهای تمام شده تاریخی آن‌ها است که این موضوع می‌تواند موجبات افزایش درآمد مشمول مالیات و بالتبع بار مالیاتی شرکت‌ها را در شرایط تورمی فراهم آورد و با تاثیر بر تصمیمات مالی و عملیاتی مدیران، آن‌ها را از حالت بهینه خارج سازد. به بیان دیگر، در چنین شرایطی انتظار می‌رود، مدیران شرکت‌ها از طریق اتخاذ سیاست‌های مختلف درصدد جبران افزایش بار مالیاتی خود برآیند.

این پژوهش، رابطه سیاست‌های مالیاتی دولت را بر بار مالیاتی شرکت‌ها در شرایط تورمی بررسی کرد. هدف آن بود که رابطه بکارگیری بهای تاریخی در اندازه‌گیری دارایی‌های ثابت و موجودی‌های کالا بر بار مالیاتی شرکت‌های تولیدی بررسی شود. به این منظور نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ (تعداد ۵۰۵ شرکت - سال) بررسی شد. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

نشان داد در شرایط تورمی، موجودی کالا با افزایش بارمالیاتی رابطه ای مثبت دارد؛ بعلاوه، کاهش گردش موجودی کالا، رابطه تورم با بارمالیاتی را تقویت کرد به گونه‌ای که شرکت‌هایی که موجودی های کالای خود را با تاخیر بیشتری به فروش رسانده اند بیشتر از تورم اثر پذیرفته اند و بار مالیاتی بیشتری را نیز متحمل شده اند. این در حالیست که هر چه اندازه شرکت بزرگتر شد بارمالیاتی کاهش یافت و هرچه نرخ بازده دارایی بیشتری تحصیل شد سهم بیشتری از جریان‌های نقد عملیاتی به پرداخت مالیات اختصاص یافت. این نتایج با نتایج تحقیقات ماسکانی و منیستا (۲۰۱۶) و دالیوال و همکاران (۲۰۱۵)، اندریس و همکاران (۲۰۱۷)، میبری و همکاران (۲۰۱۳)، خواجوی و کیامهر (۱۳۹۵)، فروغی و همکاران (۱۳۹۵)، آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، برزگر (۱۳۹۵) که تورم و اندازه شرکت را بر بار مالیاتی موثر می‌دانستند و بیان می‌کردند مدیر با بکارگیری ابزارهای گزارشگری و عملیاتی از مالیات اجتناب می‌کند سازگار است. البته باید توجه داشت که شرکت‌ها مطابق قانون مالیات‌های مستقیم می‌توانند دو روش میانگین موزون و فایفو را به منظور ارزیابی موجودی کالا بکارگیرند که این موضوع در پژوهش حاضر لحاظ نشده است. به همین سبب، پیشنهاد می‌گردد به منظور مذاقه در روش‌های مدیریت موجودی کالا به منظور اجتناب از بارمالیاتی، محققین در پژوهش‌های آتی این موضوع را مدنظر قرار دهند. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش نیز حاکی از آن بود افزایش دارایی‌های ثابت با بار مالیاتی رابطه منفی و معنی‌داری دارد؛ به این معنی که هرچه سهم دارایی‌های ثابت در ساختار دارایی‌های شرکت افزایش یابد مزیت‌های مالیاتی بیشتری از رهگذر استهلاک نصیب شرکت می‌شود؛ اگرچه بررسی اثر سطح دارایی‌های ثابت به همراه نرخ تورم حکایت از آن داشت با افزایش تورم مزیت کاهنده دارایی‌های ثابت از بین می‌رود؛ بنابراین می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که کاهش ارزش ریال‌های تاریخی در طول زمان و تقابل آنها با ریال‌های روز درآمدی موجب می‌شود شرکت‌هایی که سابقه تولید بیشتر و دارایی‌های ثابت قدیمی‌تری دارند در قیاس با شرکت‌های مشابه که در سال جاری اقدام به تامین دارایی نموده‌اند بارمالیاتی بیشتری را متحمل شوند. این نتیجه با نتایج تحقیق اندریس و همکاران (۲۰۱۷)، میبری و همکاران (۲۰۱۳)، خواجوی و کیامهر (۱۳۹۵)، فروغی و همکاران (۱۳۹۵) و برزگر (۱۳۹۵) که نشان دادند سیاست‌های مالیاتی با کاهش هزینه سرمایه مرتبط است سازگار است. ضمن آنکه دالیوال و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند تورم تاثیر قابل توجهی بر عملکرد بنگاه داشته و شرکت‌های با دارایی‌های ثابت بالاتر با بار

مالیاتی بالاتری نیز مواجه می‌شوند که نتایج این تحقیق نیز موید این امر بود. آنچه در این پژوهش حاصل شد آنکه در شرایط تورمی، شرکت‌هایی که از دارایی‌های ثابت بالاتری در ساختار دارایی‌های خود برخوردارند و اصطلاحاً سرمایه‌بر محسوب می‌شوند، بار مالیاتی بیشتری را متحمل می‌شوند که این موضوع در بلندمدت موجب فرسایش سرمایه آن‌ها خواهد شد؛ چنین موضوعی در ارتباط با موجودی کالا نیز مصداق دارد؛ اگر چه مدیران می‌توانند با بکارگیری سیاست‌هایی در مدیریت موجودی‌های کالا تلاش کنند از وقوع بار مالیاتی از طریق موجودی کالا اجتناب نمایند. بنابراین بجاست متولیان سیاست‌های مالیاتی با تعدیل مبنای اندازه‌گیری بکارگرفته شده در رویه‌های مالیاتی و لحاظ شرایط تورمی کشور، بستری مناسب را برای فعالیت شرکت‌ها و رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم آورند؛ به گونه‌ای که شرکت‌ها ناچار نشوند به منظور اجتناب از بار مالیاتی به سیاست‌های عملیاتی ناکارآمد پناه ببرند و یا آنکه به دلیل نرخ رشدی تورم تنبیه شوند. در عین حال به حساب‌برسان و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی توصیه می‌شود که در شرایط تورمی کشور، توجه بیشتری به درآمدهای غیرعملیاتی ناشی از فروش دارایی‌های ثابت معطوف نمایند و دلایل فروش دارایی‌های ثابت را به منظور انعکاس بهتر در صورت‌های مالی یا تحلیل مناسب اطلاعات مدنظر قرار دهند، به این ترتیب که آیا فروش دارایی‌های ثابت به علت عدم نیاز به دارایی مذکور بوده است و یا آنکه با هدف سودسازی (فروش و خرید مجدد) صورت پذیرفته است. یکی از عوامل دیگری که می‌تواند بر بار مالیاتی شرکت‌ها در شرایط تورمی اثرگذار باشد، هزینه مالی تسهیلات دریافت شده است؛ هزینه موثر مالی برای تسهیلاتی که در گذشته دریافت شده است با گذشت زمان و در شرایط تورمی کاهش می‌یابد؛ اگرچه، همین موضوع می‌تواند موجبات افزایش بار مالیاتی شرکت را در مقایسه با شرکت‌هایی که در سال جاری اقدام به تامین مالی مشابه می‌کنند فراهم آورد. از اینرو، بررسی، رابطه سیاست‌های تامین مالی شرکت‌ها بر بار مالیاتی آنها از دیگر موضوعاتی است که شایسته توجه است.

منابع

- ابراهیمیان، محمدتقی، ابراهیمیان، مجید (۱۳۹۳). "بررسی تاثیر نظام مالیاتی بر رشد و توسعه اقتصادی کشور"، اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی.
- ابونوری، اسمعیل، نیک‌پور، عبدالحامد. (۱۳۹۳). "اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره (۱۷)، صص: ۷۶-۹۰.
- اعتمادی، حسین، سپاسی، سحر، سازی، محمدعلی. (۱۳۹۶). "ارزیابی ریسک سیاست‌های کمینه سازی مالیات شرکتها"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴ (۵۴)، صص ۱-۱۷.
- آقایی، محمدعلی، حسینی، حسن، باقری، حسن (۱۳۹۷). "نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکتها: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴ (۵۷)، صص ۲۵-۴۷.
- باستانی فر، ایمان، میرزایی، رخساره (۱۳۹۳). "تحلیل ریشه‌های رکود تورمی در ایران و ارائه راهکارهای برون رفت"، فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی، ۷ (۲۱)، ۳۶۱-۳۸۰.
- برزگر، قدرت‌الله، فخاری، حسین، طهماسبی، سعید (۱۳۹۵). "بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی، کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- پرخیده، احمد، تاجیک، مهدی. (۱۳۹۰). "درآمدهای مالیاتی و چالش‌های پیش رو در اقتصاد ایران"، طرح نظرسنجی ماهیانه مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی ایران از اعضای هیات نمایندگان.
- تقوی، مهدی، غروی نخجوانی، سیداحمد. (۱۳۸۲). "تورم رکودی در اقتصاد ایران"، مجله پژوهشنامه اقتصادی، شماره (۹)، صص: ۱۳-۷۰.
- قریه‌گپی، نوشین و دیگران (۱۳۹۲). "شناسایی علل رکود تورمی در ایران: روش تصحیح خطای آستانه ای"، مجله مدل سازی اقتصادی، شماره (۲۴)، صص: ۱۹-۳۵.
- خواجوی، شکرالله، کیامهر، محمد. (۱۳۹۵). "مدل سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری"، مجله دانش حسابداری، شماره (۲۵)، صص: ۷۹-۱۰۰.
- سازمان حسابرسی، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۹۴). "اصول و ضوابط

حسابداری و حسابرسی: استانداردهای حسابداری: استانداردهای شماره ۱ تا ۳۲".
صالح ولیدی، محمد و دیگران (۱۳۹۳). "آسیب‌شناسی نظام مالیاتی ایران و تبیین عوامل
موثر در بروز آسیب‌ها"، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره (۹۶)، صص: ۳۸-۵۹.
غفاری، وحید و دیگران (۱۳۹۴). "اثر درآمد مالیات بر رشد اقتصادی"، *دومین کنفرانس
بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی*.
فرامرزی، ایوب و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی رابطه مالیات و رشد اقتصادی، مطالعه موردی
ایران و کشورهای عضو اوپک و سازمان همکاری‌های اقتصادی"، *فصلنامه علوم
اقتصادی*، شماره (۳۲)، صص: ۱۰۳-۱۲۲.
فروغی، داریوش، امیری، هادی، زمانی بختیاروند، محمد. (۱۳۹۵). "تاثیر توانایی مدیریتی
بر اجتناب مالیاتی"، *مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری*، شماره (۲۶)، صص: ۱۳۱-
۱۵۰.

محمدرضایی، فخرالدین؛ منطقی، خسرو؛ عباسی، اسماعیل (۱۳۹۶) "بررسی اثر رکورد
تورمی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی"، *مجله حسابداری مدیریت*، ۱۰ (۳۳)، صص
۱۲۳-۱۳۹.

- Andries, K., Gallemoreb, J., & Jacoba, M. (2017) "The effect of corporate taxation on bank transparency: Evidence from loan loss provisions". *Journal of Accounting and Economics*, 63: 307-328.
- Belkaoui, R. (2004). "Accounting Theory". 5th edition, Cengage Learning EMEA.
- Bauer, A., Fang, X., & Pittman, J. (2017). "Does Stock Price Crash Risk Subside When the IRS Imposes Stricter Corporate Tax Enforcement?". Available at SSRN: <http://www.ssrn.com>.
- Dhaliwal, D., Gaertner, F., Lee, H., & Trezevant, R. (2015) "Historical cost, inflation, and the U.S. corporate tax burden". *Journal of Accounting and Public Policy*, 34(5): 467-489.
- International Accounting Standards Board (1989), "Conceptual Framework for financial Reporting", available at: www.ifrs.org
- International Accounting Standards Board (2010), "Conceptual Framework for Financial Reporting", available at: www.ifrs.org
- International Accounting Standards Board (2015), "Conceptual Framework for Financial Reporting", exposure Draft ED/2015/3, available at: www.ifrs.org
- Mascagni, G., Telaye Mengistu, A. (2016) "The Corporate Tax Burden in Ethiopia: Evidence from Anonymised Tax Returns". ICTD Working Paper 48, Available at SSRN: <http://www.ssrn.com>.
- Mayberry, M.A., McGuire, S.T., Omer, T. C. (2013). "Smoothing

- taxable income, tax avoidance, and the information content of taxable income*". Working paper, Texas A & M University.
- Saunders, M., Lewis, P., Thornhill, A. (2011). *Research Methods for Business Students*. Pearson education (edited 5th).
- Tabandeh, R., Jusoh, M., Md.Nor, N.G., Shah ziadi, M.A. (2012). "Estimating Factors Affecting Tax Evasion in Malaysia: A Neural Network Method Analysis". *Prosiding Perkem 2*: 1524-1535.
- Wee Goh, B., Lee, J., Yeow Lim, Ch., & Shevlin, T. (2016) "The Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Equity". *The Accounting Review*, 91(6): 1647-1670.